

گونه‌شناسی جریان‌های فکری ایران و عرب؛ گام نخست برای گفت‌وگو

محسن الویری*

چکیده

واقعیت تلخ رویارویی‌های درونی، که امروزه جهان اسلام بدان دچار شده، بسیاری از اندیشمندان را به چاره‌اندیشی واداشته است. گره‌گشایی از وضعیت کنونی راهی جز گفت‌وگو ندارد. در این نوشتار، پس از مروری بر مفهوم گفت‌وگو و برخی ویژگی‌های آن، با تکیه بر تجربه زیسته به اهمیت گفت‌وگوی ایرانی-عربی و زمینه‌های آماده برای موفقیت آن و قابلیت تعمیم الگوی این گفت‌وگو برای دیگر انواع گفت‌وگوها در امت اسلامی می‌پردازیم. سپس، ضمن اشاره به برخی بایستگی‌های گفت‌وگو، شناخت طرفین از یکدیگر را به‌طور خاص و به‌منزله گام نخست برای گفت‌وگو بررسی می‌کنیم؛ و در نهایت پیش‌نهاد می‌شود که جریان‌های فکری جهان عرب و ایران با تکیه بر پنج مؤلفه تبارشناسی، موقعیت، مبانی فکری و دینی، پایگاه اجتماعی، و موضع‌گیری در برابر مسائل اصلی امت اسلامی از دو منظر خود و دیگری شناسایی شوند؛ لازمه این کار تأسیس دبیرخانه‌ای در یکی از نهادهای مورد اعتماد اندیشمندان جهان اسلام است.

کلیدواژه‌ها: گفت‌وگو، ایران، جهان عرب، امت اسلامی، روشن‌فکران، علمای اسلام.

۱. مقدمه

آنچه امروزه در جهان اسلام می‌گذرد شاید تلخ‌ترین و دردآورترین روی‌دادی است که در دو قرن اخیر در میان امت اسلامی رخ نموده است. اندیشمندان، دولت‌مردان، علمای دین، هنرمندان، دانشگاهیان، و نخبگان به گونه‌های مختلف از این درد و رنج سخن گفته‌اند و

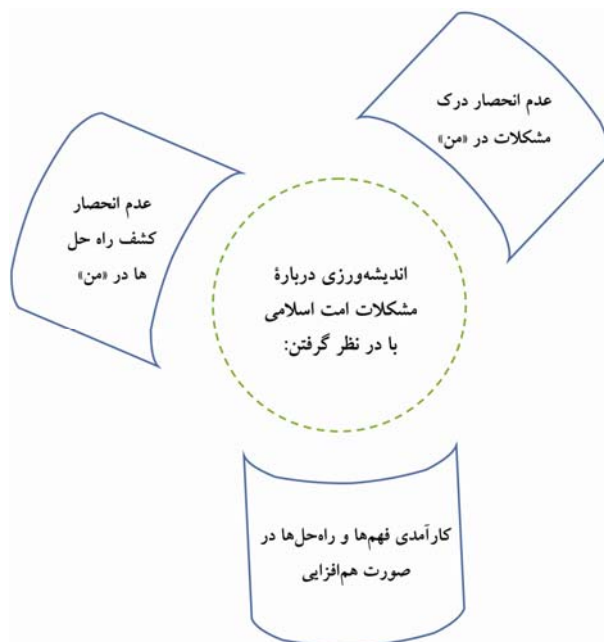
* دکترای تاریخ و تمدن ملل مسلمان و استادیار دانشگاه باقرالعلوم، alvirim@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

نگرانی خود را از ادامه وضعیت کنونی بیان کرده‌اند. مروری بر کتاب‌ها، مقالات، نشریات، و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی از دل‌مشغولی‌های نخبگان در این زمینه حکایت می‌کند. نگرانی‌ها از وضعیت امت اسلامی در چند دهه گذشته بیش‌تر به موقعیت آن‌ها در مقایسه با تمدن غرب ناظر بود و در نگاهی کلان به عقب‌ماندگی‌ها و مشکلاتی که مانع رشد تمدنی شده بود پیوند می‌یافت. مالک بن‌نبی در سخن‌رانی‌ای که ۴۵ سال پیش ایراد کرده است می‌گوید: امت ما از بحران‌های گوناگونی در رنج است که اگر بخواهیم همه آن‌ها را در یک کلمه گرد آوریم آن را بحران تمدنی می‌نامیم^۱، اما اکنون نگرانی‌ها غالباً به مسائل داخل جهان اسلام معطوف شده است و شاید بتوان گفت تأکید بر مقدم‌داشتن منافع امت اسلامی بر همه‌چیز (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱۵۲) به گفتمان عمومی نخبگان تبدیل شده است.^۲

ریشه‌یابی وضعیت غم‌بار کنونی و شناخت عوامل و زمینه‌های وقوع آن، بی‌تردید، در گشودن این گره کور مؤثر است، اما به‌نظر می‌رسد امروزه بیش از کوشش برای شناخت گذشته باید به آینده اندیشید. این سخن درستی است که اگر گذشته به‌درستی شناخته نشود، نمی‌توان گام‌هایی درست به‌سوی آینده برداشت، اما به‌نظر می‌رسد به اندازه کافی درباره گذشته صحبت شده و اکنون زمان آن فرا رسیده است که نگاه‌ها را به‌سمت آینده معطوف کرد. اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که برای مشکلات مشترک جامعه اسلامی چه باید کرد؟ و از کجا باید آغاز کرد؟

روشن است که اگر قرار باشد هر کس فقط از دیدگاه خود به این موضوع بنگرد و راه‌حلی پیش‌نهاد کند و با درست‌انگاشتن یافته خود همه توان خویش را صرف محقق‌ساختن همان راه‌حل و واداشتن دیگران به پیروی از خود نماید، پیچیدگی اوضاع بیش‌تر و گرهی بر گره‌های سخت کنونی افزوده خواهد شد. اگر هر فرد یا جریان حامل یک فکر و یا دارای یک موضع خاص گمان برد فکر و موضع او باوری فراگیر است و او به‌تنهایی می‌تواند از همه زوایا به جهان اسلام بنگرد و همه مسائل را حل کند، بی‌تردید در همان گام نخست راه را بر همه فرصت‌های مناسب برای حل مسئله، که در باور دیگران موج می‌زند، بسته است. بنابراین برای یافتن راه‌حل عمومی مشکلات جامعه اسلامی هر اندیشه‌ورز دردمندی نخست باید بپذیرد که اولاً، یگانه کسی نیست که مشکلات واقعیت جهان اسلام را درک کرده است؛ ثانیاً، باید بپذیرد که در گستره امت اسلامی تنها یک نفر به دنبال یافتن راه‌حل نیست و راه‌حل‌های متعددی از سوی افراد مختلف ارائه شده است؛ و ثالثاً، باید به این قاعده تن دهد که این راه‌حل‌های مختلف مادام که هم‌گرایی و هم‌افزایی نداشته باشند به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.



نمودار ۱. چرایی توجه به اندیشه‌های دیگران در زمینه مشکلات امت اسلامی

در چنین اوضاعی و با پذیرش این مقدمات به نظر می‌رسد برای فهم واقع و شناخت درست مشکل و پیدا کردن راه‌حل هیچ راهی جز گفت‌وگو وجود ندارد. به گفته یکی از نویسندگان، پس از آن‌که پذیرفتیم حکمت، فطرت، و عقل سلیم ما را به گفت‌وگو فرامی‌خواند باید با توان هر چه بیش‌تر همگان را به گسترش منطق گفت‌وگو فراخوانیم.^۳ این نوشتار با چنین فرضی، پس از بیان چند مقدمه، به بررسی یکی از پیش‌شرط‌های گفت‌وگو می‌پردازد.

۲. نگاهی به مفهوم گفت‌وگو و ابعاد آن

گفت‌وگو را، به معنای مکالمه و ردوبدل شدن سخن بین حداقل دو نفر، می‌توان وسیع‌ترین و مبنایی‌ترین شکل ارتباطات انسانی شمرد (الویری و مهربانی‌فر، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۷). حالت مفروض و زمینه بسیاری از نظریه‌ها و مدل‌های ارتباطی را گفت‌وگو تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که گاه به نظر می‌رسد این نظریه‌ها و مدل‌ها فقط در پی تبیین گفت‌وگو هستند. شاید به‌همین دلیل حجم تحلیل‌ها و بررسی‌های مربوط به چیستی و ابعاد گفت‌وگو از سال ۱۹۶۰ به این سو روزافزون بوده است^۴، اما گفت‌وگو به‌مثابه راه‌برد یا روش^۵ در دهه‌های

معاصر با تبیین یورگن هابرماس (۱۹۲۹) ذیل نظریه کنش ارتباطی و در بستر حوزه عمومی در حکم مهم‌ترین ابزار تفاهم و تبادل نظر جایگاهی بلند یافت.^۶

گفت‌وگو غیر از این کارکرد عمومی به‌منزله موضوعی علمی در دانش‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات، مدیریت، اخلاق، منطق، و علوم سیاسی هم مورد توجه قرار گرفته و متون و منابعی درخور توجه در این باره تولید شده است. دانش جامعه‌شناسی به گفت‌وگو به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی می‌نگرد؛ دانش ارتباطات فرایند تولید و انتقال پیام در گفت‌وگو و گونه‌های آن را بررسی می‌کند؛ دانش مدیریت چگونگی اجرای یک گفت‌وگوی موفق (مذاکرات) را می‌کاود؛ دانش اخلاق به پسندها و ناپسندهای گفت‌وگو می‌پردازد؛ دانش منطق نیز از جمله ذیل «جدل» به‌عنوان یکی از مهارت‌های پنج‌گانه (الصناعات الخمس) ابعادی از گفت‌وگو را بررسی می‌کند؛ و دانش سیاسی گفت‌وگو را به‌منزله یکی از روش‌های اعمال قدرت و نیز سازوکار تشریک مساعی، به‌منظور تألیف منافع، در زمره موضوعات مورد علاقه و اهتمام خود قرار داده است. در دیگر دانش‌ها، مانند روان‌شناسی اجتماعی، هم می‌توان رد پای پرداختن به مسئله گفت‌وگو را یافت.^۷

در متون دینی، به‌ویژه کتاب مقدس ما مسلمانان یعنی قرآن، گفت‌وگو بسیار مهم شمرده شده است.^۸ واژگان گوناگونی بر مفهوم گفت‌وگو در قرآن دلالت دارد، اما پرکاربردترین آن‌ها مشتقات مصدر «ق-و-ل» است که ۱۷۲۲ بار در قرآن به‌کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۵۵۴-۵۷۸). شاید بتوان گفت آن‌گونه که آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره مبارکه مائده گزارش کرده است زندگی اجتماعی انسان با یک گفت‌وگو یعنی گفت‌وگوی هابیل و قابیل آغاز شد.^۹ افزون بر منابع تفسیری که ذیل آیات مربوط به چپستی، سازوکار، احکام، و آداب گفت‌وگو بررسی شده است، قرآن‌پژوهان هم نوشته‌هایی مستقل در این زمینه پدید آورده‌اند.^{۱۰} در سیره معصومان (ع)^{۱۱} و انبوه روایات مربوط به آداب معاشرت و بایستگی‌های زبان و گفتار هم می‌توان نکاتی بسیار سودمند درباره گفت‌وگو یافت.^{۱۲} در گستره تمدن اسلامی هم گفت‌وگو، به‌منزله موضوعی مستقل و شایسته توجه و اندیشیدن، در منابعی که درباره مناظره نگاشته شده مورد توجه بوده است.^{۱۳} تجربه موفق مصلحانی مانند امام موسی صدر برای گشودن گره‌های کور اجتماعی به مدد گفت‌وگو پهنه دیگری است که دربردارنده سیره عملی عالمان ژرف‌اندیش و زمان‌شناس در زمینه گفت‌وگو است.^{۱۴}

شاید تفاوت اصلی گفت‌وگو با دیگر انواع ارتباطات دوسویه کلامی مانند مناظره، مذاکره، تبلیغ، و دعوت این است که هدف اصلی گفت‌وگو فهمیدن سخن طرف مقابل و

فهماندن مقصود خود به منظور دست یافتن به نتیجه‌ای مشخص است؛ البته فهماندن مقصود خود شاید خالی از هدف تبلیغی و اقناعی نباشد، اما در گفت‌وگو هدف اصلی این مسئله نیست. بار معنایی واژه گفت‌وگو در زبان فارسی همان است که در زبان عربی در واژه «حوار» به زیبایی نهفته است که در آن بر ضرورت رفت و برگشت (مرادۀ) تأکید شده است.^{۱۵} مفهوم بازگشت و مراجعه تقریباً در همه کاربردهای لغوی و اصطلاحی ریشه سه حرفی «ح-و-ر» وجود دارد.^{۱۶} گفت‌وگو به این معنی یعنی به همان اندازه که من برای خود حق سخن گفتن قائل‌ام برای طرف مقابل هم باید قائل باشم؛ به همان اندازه که سخن من ارزش شنیدن دارد سخن او هم ارزش شنیدن دارد؛ همان‌گونه که من بر این باورم که سخن من برآمده از منطق درست است او هم از چنین حقی برخوردار است که سخن خود را برآمده از حق بشمرد؛ همان‌طور که چه‌بسا طرف گفت‌وگو سخن مرا نیک درنیابد من هم چه‌بسا سخن او را درنیابم؛ همان‌طور که من شاید توان فهم او را نداشته باشم او هم چه‌بسا سخن مرا درنیافته است که به مخالفت برخاسته است؛ و همان‌طور که انتظار دارم او بدون پیش‌داوری و منصفانه به سخن من گوش دهد من هم وظیفه دارم سخن او را بدون پیش‌داوری و منصفانه گوش دهم. دور از ذهن نیست که جایگاه بلند گفت‌وگو در مقایسه با دیگر انواع ارتباطات کلامی (verbal communication) در دانش‌های مختلف در این ویژگی گفت‌وگو ریشه داشته باشد.

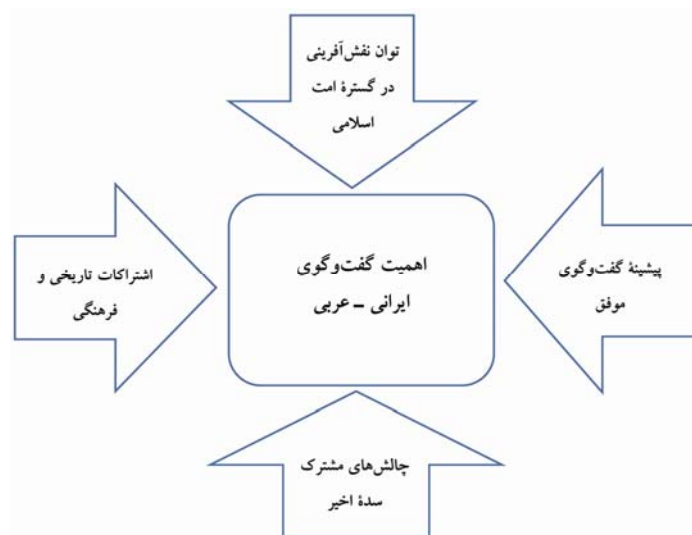
۳. تأملی در باب روش

سخن گفتن از روابط ایرانی - عربی نیازمند اندوخته‌ای فراوان از آگاهی‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، و روابط بین‌الملل و به‌کار بستن روش‌های پژوهشی متداول در این دانش‌هاست. با این همه، براساس رویکردهای نو در پژوهش‌های کیفی نباید از جنبه آگاهی‌بخشی تجربه‌های فردی پراکنده چشم پوشید و از آن غافل ماند. این نوشتار از نظر روشی مبتنی بر تجربه زیسته (التجربة المعاشه) است.^{۱۷} تجربه زیسته (lived experience) درک مستقیم موضوع و نوعی آگاهی بی‌واسطه از مسئله است که فرد در بافت (context) یا موقعیتی معین (certain case) آن را می‌فهمد. در این روش پژوهش‌گر به جای این‌که به کمک تکنیک‌هایی مانند سندپژوهی، مصاحبه، نظرسنجی، و مشاهده به گردآوری اطلاعات بپردازد و به قلمرو تجربه زیسته نزدیک شود از طریق تجربه‌ها، یافته‌ها، و مطالعات شخصی به آن نزدیک شده است. تجربه زیسته با محوریت فرد تجربه‌کننده در سه قلمرو زمان، فضا، و روابط شکل می‌گیرد. طبعاً این تجربه با سطح آگاهی‌ها، توانایی‌ها، و

گرایش‌های فرد تجربه‌کننده تناسب دارد و از سوی دیگر قهراً زمان، فضا، و روابطی که او شخصاً در آن به سر برده در این تجربه مؤثر است. بر این اساس، درست است که نگارنده این نوشتار تجربه زیست طولانی در کشورهای اسلامی عرب‌زبان را نداشته است، اما همانند بسیاری از دانشگاهیان و از طریق روش‌هایی مانند مطالعه و شرکت در مجامع و همایش‌های ملی و فراملی همواره مسائل اصلی جهان اسلام را دنبال کرده است. بنابراین، در موضوع مقاله حاضر توان نگارنده را باید در حد یک ایرانی با تجربه تحصیل و تدریس در دانشگاه و حوزه‌های علمیه و سخت‌علاقه‌مند به مسائل جهان اسلام و امت اسلامی با شناخت اندک از جهان عرب در نظر گرفت و اعتباری فراتر برای آن در نظر نگرفت.

۴. اهمیت گفت‌وگوی ایرانی - عربی

جهان اسلام از ملیت‌های مختلف تشکیل شده است و گفت‌وگو در جهان اسلام یعنی گفت‌وگوی همه این ملت‌ها و ملیت‌ها با یکدیگر. به چند دلیل زیر به نظر می‌رسد گفت‌وگوی ایرانی - عربی در مقایسه با دیگر گفت‌وگوهای تصورشدنی از اهمیتی ویژه برخوردار است: نقش این دو در گستره امت اسلامی، پیشینه گفت‌وگوهای موفق این دو، اشتراکات تاریخی و فرهنگی متعدد این دو، و مشابهت چالش‌های اصلی این دو در قرن اخیر.



نمودار ۲. ابعاد اهمیت گفت‌وگوی ایرانی - عربی

از آغاز ظهور اسلام و شکل‌گیری امت اسلامی عرب‌ها و ایرانیان سهم اصلی و بی‌بدیلی در روی داده‌های سیاسی و به‌ویژه تمدنی داشته‌اند و همان‌طور که اختلاف و نزاع بین این دو همه جهان اسلام را در معرض خطر قرار می‌دهد، گفت‌وگوی موفق بین این دو نیز همه جهان اسلام را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برخاستن پیامبر اعظم (ص) از بین عرب‌ها، نزول قرآن به زبان عربی، عرب‌بودن نخستین فاتحان و آورندگان پیام اسلام به دیگر سرزمین‌ها، و نقش بی‌بدیل زبان عربی در هم‌افزایی فرهنگی و دانشی سرزمین‌های اسلامی جای تردیدی درباره نقش عرب‌ها در تمدن اسلامی باقی نمی‌گذارد. درباره نقش مؤثر و بسیار تعیین‌کننده ایرانیان در تمدن اسلامی نیز داوری‌های تعداد زیادی از تمدن‌پژوهان و شرق‌شناسان را شاهدیم، اما نگاه نظریه‌محور مرحوم شهید مطهری در این زمینه هنوز تازگی خود را از دست نداده است (مطهری، ۱۳۶۲).

نکته دیگر درباره اهمیت گفت‌وگوی ایرانی - عربی پیشینه و تجربه موفق گفت‌وگو بین جهان عرب و ایران به‌ویژه در دو قرن اخیر است. گفت‌وگو الزاماً معطوف به و در پی یک اختلاف صورت نمی‌گیرد. سطح تعامل اندیشمندان ایرانی و جهان عرب در دو قرن اخیر نمونه‌ای مثال‌زدنی از روابط بین‌فرهنگی (intercultural relations) و به‌ویژه اشاعه فرهنگی (cultural diffusion) را پدید آورده است. تعامل واقعی بین ایران و کشورهای عربی در سطح اندیشمندان و به‌ویژه عالمان دینی اتفاق افتاده است نه دولت‌مردان. سیدجمال‌الدین (۱۳۱۴ ق) هر چند عرب نبود و از مکتب اهل بیت (ع) پیروی می‌کرد، اما بیش‌ترین اثرگذاری خود را در کشورهای عربی با مذاهب اهل سنت داشت؛ از سوی دیگر اندیشه‌های سیدقطب، عبده، و کواکبی، که عرب سنی‌مذهب مصری بودند (البته کواکبی تبار غیرعرب داشت)، با اقبال درخور توجه نه‌فقط دانشگاهیان که حتی علمای دینی شیعی ایرانی روبه‌رو شد. این جمله ضرب‌المثل‌گونه در برخی محافل ایرانی بر سر زبان‌هاست که در جهان عرب اندیشه‌ها در مصر نوشته می‌شود، در لبنان چاپ می‌شود، و در عراق خوانده می‌شود و اکنون صاحب این قلم مرحله دیگری را به این فرایند می‌افزاید که مرحله عمل به خواننده‌هاست و این ادعا گزاف نیست که بگوییم مرحله چهارم در ایران جامعه تحقق به تن می‌پوشد.

برخی بر این باورند که در جنبش مشروطیت ایران، فقیه و اصولی بزرگ عالم تشیع، آیت‌الله میرزا محمدحسین غروی نائینی (۱۳۵۵ ق)، در کتاب مشهور تنبیه الامه و تنزیه المله خود از روشن‌فکران عرب مانند رفاعه رافع طهطاوی (۱۲۹۰ ق) و عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ ق) اثر پذیرفته است.^{۱۸} شاید هم‌چنان بتوان گفت‌وگوهای با واسطه مرجع بزرگ شیعیان آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی (۱۳۸۰ ق) و شیخ محمود شلتوت

(۱۳۸۳ ق)، شیخ‌الازهر، را برترین و مؤثرترین نمونه‌های گفت‌وگوی ایران و عرب در قرن معاصر معرفی کرد.^{۱۹} اگر در یکی دو دهه گذشته ترجمه آثار اندیشمندانی مانند امام خمینی، مطهری، و شریعتی در کشورهای عربی و ترجمه آثار پیش‌تازان اصلاح کشورهای عربی به زبان فارسی محمل اصلی گفت‌وگوهایی بوده است که در سطح نخبگانی تحقق می‌یافت، اکنون نیز این گفت‌وگو از طریق ترجمه آثار نسلی دیگر از روشن‌فکران معاصر ایران از یک سو و نواندیشان کشورهای عربی مانند حسن حنفی، محمد ارگون، نصر حامد ابوزید، و محمد عابد جابری از سوی دیگر هم‌چنان در جریان است.^{۲۰}

موضوع دیگری که بر اهمیت گفت‌وگوی ایرانی-عربی می‌افزاید اشتراکات تاریخی و فرهنگی فراوان ایران و جهان عرب است. یک ایرانی مسلمان وقتی رابطه خود را با عرب‌ها در مقایسه با دیگر ملت‌های امت اسلامی می‌سنجد مشاهده می‌کند که هر چند در کنار مسجد پیامبر از سوی یک عالم وهابی به کفر متهم می‌شود و یا در مواجهه‌ای دیگر به دلیل برادر خطاب کردن یک عالم وهابی باید توبیخ شود که چرا به خود اجازه داده است او را برادر خود بخواند، اما از سوی دیگر نمی‌تواند انکار کند که پیامبرش از بین عرب‌ها برانگیخته شده است؛ کتاب آسمانی او به زبان عربی است؛ پیشوایان مذهبی‌اش از نژاد عرب‌اند؛ احترام به سادات، که نژاد عرب دارند، بخشی از وظایف دینی او شمرده شده است؛ قبله‌گاهش در کشوری عربی واقع است؛ از دوازده امام معصوم او، که یازده تن آنها از دنیا رفته‌اند، مدفن ده امام در کشورهای عربی قرار دارد؛ نمادهای مربوط به امام دوازدهم او، که امام غایب است، در یک کشور عربی است؛ و مزار تعداد درخور توجهی از اولیا و خاندان عصمت شایسته احترام او در مصر، سوریه، اردن، و عراق قرار دارد. یک ایرانی مسلمان هر روز باید به زبان عربی نماز بخواند؛ تقریباً تمامی دعاها و مناجات‌های او به زبان عربی است؛ و قانون اساسی کشورش نیز زبان عربی را زبان رسمی دوم کشور اعلام کرده است.

اشتراکات ایران و جهان عرب از منظر دیگری هم درخور بررسی است. این دو، علاوه بر پیوندهای ناگسستنی تاریخی، چالش‌های مشترکی هم دارند و در موضوعات مهمی مانند آشنایی با دنیای جدید و مواجهه با مشکلات مربوط به گذار به وضعیتی جدید، اصلاح فکر دینی، نواندیشی دینی، سکولاریسم، تجددخواهی، سنت‌گریزی، ناسیونالیسم، مارکسیسم، اسرائیل، مبارزه با نظام استبدادی، استعمارستیزی، و وهابیت مسائلی مشترک دارند. در واقع، همان‌الگویی که برای تقسیم‌بندی مهم‌ترین مباحث قرن اخیر ایران و نیز روش مواجهه با آن می‌توان طراحی کرد با اندک تغییری برای جهان عرب تعمیم‌دانی است و برعکس.

این چهار وجه مشترک، که برخی به تاریخ پیوسته‌اند و برخی هم‌چنان با ما هم‌راه‌اند، اوضاع ویژه‌ای برای متمایز شدن گفت‌وگوی ایرانی - عربی در مقایسه با دیگر انواع گفت‌وگوها فراهم آورده است. به استناد این مشترکات است که می‌توان ادعا کرد موفقیت در گفت‌وگوی ایرانی - عربی به‌منزله موفقیت در گفت‌وگو بین همه اعضای امت اسلامی است و افزون بر این، گفت‌وگوی ایرانی - عربی می‌تواند الگویی برای گفت‌وگوی دیگر اجزای امت اسلامی با یک‌دیگر باشد.

۱.۴ بایستگی‌های گفت‌وگوی ایرانی - عربی

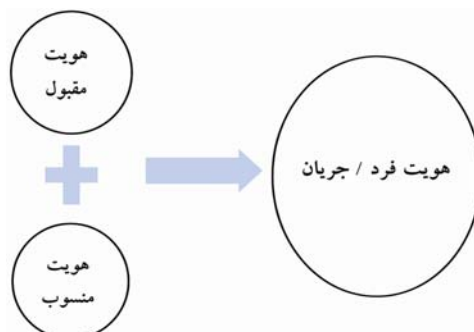
همان‌گونه که ذکر شد، برای آن‌ها که دغدغه حل مسائل امت اسلامی را دارند هیچ راهی جز گفت‌وگو وجود ندارد و همین که تاکنون اقدامی جدی در این زمینه صورت نگرفته موجب از دست رفتن فرصتی عظیم شده است. گفت‌وگو لوازم، آثار، و تبعاتی دارد که باید به آن‌ها گردن نهاد. در این نوشتار در پی برشمردن همه مقدمات و بایستگی‌های گفت‌وگو نیستیم، اما با این پیش‌فرض که شناخت طرفین گفت‌وگو از یک‌دیگر نخستین و ابتدایی‌ترین گام برای گفت‌وگویی موفق است، به ذکر نکته‌ای در این زمینه می‌پردازیم. اگر طرفین گفت‌وگو از یک‌دیگر شناخت کافی نداشته باشند، همان‌گونه که اگر درک درستی از موضوع گفت‌وگو نداشته باشند و یا اگر به یک‌دیگر اعتماد نداشته باشند، نتیجه‌ای قابل اعتماد از گفت‌وگو به دست نخواهد آمد. مالک بن نبی مهم‌ترین رسالت مسلمان در سه دهه پایانی قرن بیستم را شناخت خود، شناخت دیگران، و شناساندن خود به دیگران بیان کرده است؛ البته مراد او از دیگران غیرمسلمانان در برابر مسلمانان است. وی در توضیح ضرورت شناخت دیگران می‌گوید: بر مسلمان روا نیست که از دیگران ناآگاه باشد و روا نیست که خود را از آن‌ها برتر بشمرد و با این پندار که ما برای بهشت و گرامی داشته شدن آفریده شده‌ایم خود را فراتر از آن‌ها بدانند (بن نبی، ۱۴۱۲: ۶۰-۶۲). هشام شرابی نیز برای چیره آمدن بر مخاطرات درونی امت اسلامی گفت‌وگو با بنیادگرایی را، به مثابه یگانه جانشین خشونت، بهترین روش در یافتن راه‌حلی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با آن‌ها می‌داند (شرابی، ۱۳۷۲: ۱۹).

شاید یکی از دلایل این‌که گفت‌وگوهایی که در همایش‌های رسمی صورت می‌گیرد اغلب بی‌نتیجه یا کم‌نتیجه است همین شناخت ناکافی طرفین از یک‌دیگر است. در این گونه مراسم تشریفاتی اغلب گفت‌وگوهای محدودی که در حاشیه مراسم و به صورت غیررسمی

بین مدعوان صورت می‌گیرد ثمربخش‌تر و به‌یادماندنی‌تر از گفت‌وگوهای اصلی است. در بسیاری از گفت‌وگوهای رسمی دو یا چند نفر با یکدیگر صحبت می‌کنند که گاه حتی نام طرف مقابل خود را به‌درستی نمی‌دانند و هیچ آگاهی‌ای از پیشینه، جایگاه، و ظرفیت‌های او ندارند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله‌ای که در این باره وجود دارد و به‌عنوان نخستین گام باید برای حل آن اقدام کرد همین مسئله کیستی گفت‌وگوکنندگان است؛ یعنی پاسخ به این پرسش که چه کسی با چه کسی گفت‌وگو می‌کند؟

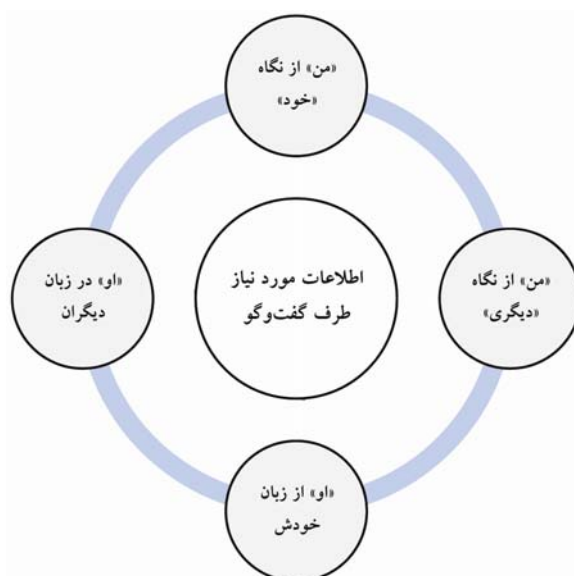
در گفت‌وگوی ایرانی - عربی نیز همین موضوع صدق می‌کند. در این گفت‌وگوها نخست باید به این پرسش پاسخ داد که دقیقاً مراد از طرف ایرانی یا طرف عربی پشت میز گفت‌وگو کیست؟ و این‌ها چه شناختی از یکدیگر دارند؟ روشن است که هر گروه و جریان فکری در هر یک از طرفین قادر به گفت‌وگو با هر گروه دیگر در طرف مقابل نیست و نیز الزاماً هر گفت‌وگویی بین هر جریان فکری با جریان فکری دیگر سودمند نیست یا اولویت ندارد. بنابراین شناخت صورت‌بندی جریان‌های فکری و دینی در جهان عرب و نیز در ایران را باید مقدمه نخست گفت‌وگو برشمرد. بی‌توجهی به طیف گسترده گرایش‌ها ذیل عنوان عمومی تشیع و تسنن و یک‌سان‌پنداری همه آن‌ها، بی‌توجهی به برداشت‌های مختلف از سلفی‌گری، بی‌توجهی به فهم‌های مختلف از نواندیشی دینی و تجددخواهی، ناآگاهی از جریان‌های فکری کنونی و فعال و اثرگذار در بین شیعیان، و ده‌ها موضوع دیگر مانند این موارد و غفلت از وابستگی طرف گفت‌وگو به یکی از جریان‌ها می‌تواند هم‌چنان فرصت‌هایی را بر باد دهد یا آن‌ها را به تهدید تبدیل کند.

در این نوشتار گردآوری اطلاعات و تدوین شاخصه‌هایی به‌منظور نشان‌دادن گرایش‌های مختلف فکری ایران و جهان اسلام را به‌منزله نخستین گام برای گفت‌وگو پیش‌نهاد می‌کنیم؛ یعنی کوشش برای شناخت طرفین گفت‌وگو از یکدیگر پیش از هر گفت‌وگویی. این شناخت باید از دو منظر کاملاً متفاوت ولی با مؤلفه‌های یک‌سان صورت بگیرد: معرفی از زبان خود جریان‌ها و معرفی از زبان و نگاه دیگران. این پیش‌نهاد از آن روی صورت می‌گیرد که برای هر فرد و جریانی دو هویت متفاوت می‌توان در نظر گرفت: هویت از زبان خود و هویت از زبان دیگران؛ یا هویت مقبول و هویت منسوب؛ یعنی «من» از نگاه خود و «من» از نگاه دیگری؛ یا «دیگری» در نگاه من و «دیگری» از نگاه دیگری. برای مثال ما شاید ناسیونالیسم یا سلفی‌گری را به‌گونه‌ای خاص تعریف کنیم که با تعریف خود ناسیونالیست‌ها و سلفی‌ها از آن متفاوت باشد و یا تشیع به‌گونه‌ای معرفی شود که با تعریف خود شیعیان از آن تفاوت داشته باشد.



نمودار ۳. جایگاه هویت مقبول و هویت منسوب برای شناخت یک فرد یا جریان

به هر حال، برای این که گفت‌وگوها ثمربخش باشد سزاوار است نخست شناخت کافی از طرفین گفت‌وگو برای آن‌ها فراهم شود.



نمودار ۴. اطلاعات چهارگانه مورد نیاز هریک از طرفین گفت‌وگو برای شناخت یکدیگر براساس دو نوع هویت

۲.۴ محوره‌های شناخت طرفین گفت‌وگو از یکدیگر

با توجه به این که هر جریانی از تباری خاص و پایگاه علمی، اجتماعی، و فرهنگی خاصی برخاسته و مبانی و مواضع فکری و مخاطبان ویژه خود را دارد، شناخت طرفین گفت‌وگو می‌تواند براساس این موضع و موضوعها در پنج محور زیر صورت بگیرد:^{۲۱}

۱.۲.۴ تبارشناسی

- کشور؛
- تاریخ پیدایش؛
- سیر زمانی، تحول، و دوره‌بندی؛
- چهره‌های شاخص؛
- تشکیلات اداری؛
- آثار تولیدشده.

۲.۲.۴ مبانی فکری، دینی، و مذهبی

- گرایش کلامی؛
- گرایش مذهبی؛
- دیدگاه درباره‌اندیشه اسلامی؛
- دیدگاه درباره‌مکاتب غربی.

۳.۲.۴ موقعیت

- رابطه با حکومت؛
- میزان اثرگذاری در تحولات؛
- میزان رابطه با خارج از کشور؛
- رقیبان و رفیقان.

۴.۲.۴ پایگاه اجتماعی

- نوع رابطه با علمای دین؛
- نوع رابطه با دانشگاه‌ها؛
- پستوانه‌ها؛
- اعضای رسمی و غیررسمی؛
- مخاطبان.

۵.۲.۴ موضع‌گیری در برابر مسائل اصلی امت اسلامی

- میراث اسلامی؛
- تمدن غرب؛

- ملیت؛
 - تمدن نوین؛
 - مسائل مربوط به انسان مسلمان مطلوب قرن بیست و یکم: آزادی، کرامت، عزت، مسئولیت، عبودیت، فرهیختگی، و مانند آن؛
 - مسائل مربوط به جامعه اسلامی مطلوب قرن بیست و یکم: مردم‌سالاری، رهبری، خانواده، روابط اجتماعی، حقوق اجتماعی، محیط زیست، و مانند آن.
- این محورها برای نمونه ذکر شده است و کاملاً طبیعی و قابل انتظار است که در مطالعه‌ای دقیق‌تر ویرایش و تکمیل شود.



نمودار ۵. مؤلفه‌های اصلی شناخت فرد/ جریان از دو منظر خود و دیگری (با علامت * مشخص شده است).

وقتی «من» از نگاه خودم و از نگاه «دیگری» و یا «دیگری» از نگاه «من» و یا خودش در پنج محور پیش گفته گزارش شود، بی‌تردید فاصله بین هویت من آن‌گونه که خود معرفی می‌کنم و آن‌گونه که دیگری معرفی می‌کند مشخص خواهد شد. مهم‌ترین دستاورد گفت‌وگو در اوضاع کنونی، که به یقین می‌تواند زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلات باشد، به‌هم نزدیک کردن این دو نوع هویت یعنی هویت مقبول و هویت منسوب است.

فراهم‌آوردن اطلاعات درباره اشخاص و جریان‌های فکری، فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی، و حتی اقتصادی ایران و جهان عرب در محورهای پنج‌گانه فوق و در دو ساحت «من» و «دیگری» نیازمند کوششی گسترده، مستمر، و روشمند است که به‌سادگی تحقق‌پذیر نیست. سزاوار است دبیرخانه‌ای در یک نهاد معتبر مانند سازمان کنفرانس علمی با همکاری پژوهش‌گران متعدد در کشورهای اسلامی تشکیل شود و این اطلاعات را گردآوری و به‌روزرسانی کند.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به وضعیت بحرانی جهان اسلام، حتی اگر معتقد به امکان‌پذیری تحقق امت اسلامی در آینده نزدیک نباشیم و حتی اگر هم‌گرایی جهان اسلام بر مدار باورهای دینی مشترک را دور از دسترس بشماریم و به الگوهای جانشین ائتلاف امت اسلامی بر مدار اقتصاد و نقش بین‌الملل و مانند آن بیندیشیم، هیچ راهی جز گفت‌وگو برای گره‌گشایی از مشکلات کنونی وجود ندارد. هر گونه کوتاهی در این زمینه ما را شریک جرم کسانی می‌کند که به ریختن خون مردم بی‌گناه مشغول‌اند. گفت‌وگوی عربی - ایرانی به دلیل مشترکات فراوان ایرانیان و عرب‌ها می‌تواند الگویی موفق برای انواع گفت‌وگو در ذیل امت اسلامی به دست دهد. گفت‌وگو افزون بر ضرورت شناخت طرفین از یک‌دیگر لوازم و بایستگی‌های دیگری هم دارد که باید آن‌ها را فراهم کرد، از جمله حل مسئله زبان و تدوین آداب گفت‌وگوی اندیشه‌محور. در این نوشتار، با تأکید بر ضرورت شناخت طرفین گفت‌وگو از یک‌دیگر، در حکم بایستگی‌ای دیگر این پیش‌نهاد را در معرض داوری صاحب‌نظران می‌نهمیم که دبیرخانه‌ای در یکی از نهادهای مورد اعتماد اندیشمندان جهان اسلام تأسیس شود و در آن انواع جریان‌های فکری و فرهنگی جهان اسلام براساس موضع و موضوع‌هایی که ذکر شد دسته‌بندی شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. هذه الامة اصبحت تعاني الازمات المتنوعة التي قد نجمها في كلمة واحدة نسميها الازمة الحضارية (بن‌نبی، ۱۴۱۲: ۶)، همو در کتاب *مشکلات الحضارة* به تفصیل بیش‌تری در این باره صحبت کرده است (بن‌نبی، ۱۴۲۰: ۳۸ به بعد. گزارشی دیگر در این زمینه را در کتاب *حصوننا مهددة من داخلها* نوشته محمد محمدحسین می‌توان خواند).
 ۲. افزون بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای که به ترتیب در نرم‌افزار *صحیفه نور* و پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان قابل دسترسی است، با کلیدواژه‌های *ازمات الامة الاسلامية*، *مشکلات الامة الاسلامية*، *قضایا الامة الاسلامية*، *واقع الامة الاسلامية*، و مانند آن می‌توان به دیدگاه‌های علمای اهل سنت هم دست یافت. مجموعه مقالات دوازدهمین کنفرانس وحدت اسلامی با عنوان *الاسلام و الامة الاسلامية في القرن القادم* هم در این زمینه درخور توجه است.
 ۳. تسخیری، *الحوار مع الذات و الآخر*، ص ۱۳۲.
4. Goodwin and Heritage, 1990: 283; Little and Foss, 2009: 301.
۵. برای نگاهی متفاوت و اشاره به گفت‌وگو به مثابه گفت‌مان ← افروغ، ۱۳۸۷.

۶. هابرماس، ۱۳۸۴: ج ۲، ۴۱۶؛ ریتزر، ۱۳۸۸: ۲۱۱؛ مهدوی و مبارکی، ۱۳۸۵: ۱۸؛ الویری و مهربانی فر، ۱۳۹۳: ۴۷-۵۱.

۷. گفت‌وگو به‌مثابه مهارت به‌ویژه در مباحث فرهنگی و دینی در برخی منابع بررسی شده است: مثلاً کتاب هنرگفت‌وگو و مذاکره فرهنگی اثر محمد امانی، و به‌ویژه: *Interfaith Dialogue: A Guide for Muslims* اثر Shafiq and Abu-Nimer.

کتاب *Magonet, Talking to the Other: Jewish Interfaith Dialogue with Christians and Muslims*

نیز مهارت گفت‌وگو را در گفت‌وگوی بین‌الادیانی یهودیان با مسیحیان و مسلمانان به تفصیل بررسی کرده است.

۸. برای نمونه ← نوعی، ۱۳۸۰؛ موسویان، ۱۳۷۷.

۹. *وَ اَنْتَ عَلَیْهِمْ نَبَا ابْنِیْ اَدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ اَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ اِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ - لَئِنْ بَسَطْتَ اِلَیَّ یَدَكَ لَتَقْتُلَنیْ مَا اَنَا بِبَاسِطٍ یَدِیْ اِلَیْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ اِنِّیْ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ - اِنِّیْ اُرِیدُ اَنْ تَبُوْءَ بِاِیْمِیْ وَ اِیْمِیْكَ فَتَكُوْنُ مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ وَ ذٰلِكَ جَزَاءُ الظّٰلِمِیْنَ.*

ترجمه: و خبر دو پسر آدم را بر آنان بخوان، آن هنگام که با پیشکش کردن قربانی خواستند که به خدا نزدیک شوند، پس از یکی از آن‌ها پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، آن‌که از او پذیرفته نشد (قابیل) به دیگری (هابیل) گفت: من حتماً تو را خواهم کشت، هابیل گفت همان خداوند از پروا پیشگان می‌پذیرد، اگر تو دست به سوی من دراز کنی که مرا بکشی من دست درازکننده به سوی تو برای کشتنت نیستم، من از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم. من می‌خواهم که تو با بردوش کشیدن گناه من و گناه خودت (به سوی خدا) بازگردی که در آن صورت از دوزخیان خواهی شد و این است سزای ستم‌کاران.

۱۰. برای نمونه ← فضل‌الله، ۱۹۹۶؛ شاورانی، ۱۳۹۱؛ رضوانی، ۱۳۸۷؛ خزائلی، ۱۳۹۰.

۱۱. الویری و مهربانی فر، ۱۳۹۳.

۱۲. برای نمونه ← محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳؛ عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۵.

۱۳. مبرقعی، ۱۳۸۶.

۱۴. الویری، ۱۳۹۴.

۱۵. الراغب الاصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۳۴-۱۳۵.

۱۶. السقار، متقذ بن محمود، *الحوار مع اتباع الادیان*: صص ۷-۸ مرحوم علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله نیز در کتاب *الحوار فی القرآن* صفحاتی را به بیان مفهوم حوار و رابطه آن با جدل و جدال اختصاص داده است (فضل‌الله، ۱۹۹۶: ۴۸-۵۲).

۱۷. در زمینه تجربه زیسته به‌مثابه روش تحقیق مراجعه به منابع زیر سودمند است:

Ellis and Flaherty, 1992; Rich et al., 2013; Van Manen, 1997; ۱۳۹۳، منصوریان،

۱۸. کواکبی، ۱۳۷۸: ۳۵-۳۶.

۱۹. گزارشی از این گفت‌وگوها و مراودات نمایندگان و تحلیل ابعاد آن را می‌توان در این منابع یافت: *پیشوایان تقریب: آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت* (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت؛ ۱۳۷۹)، ۱۳۸۳؛ خسروشاهی، ۱۳۸۶؛ خسروشاهی، ۱۳۸۷.

۲۰. برای نمونه و برای گزارشی از پیشینه آثار روشن‌فکران عرب به زبان فارسی ← میرموسوی، ۱۳۸۹.

۲۱. در سال ۱۳۹۴ کتابی با عنوان *اطلس رهبران: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت* به چاپ رسید که چهره‌های شاخص چهار جریان عمده سنی، سلفی، نوسلفی، و صوفی را در قالب پنج مؤلفه موضع درباره مشارکت سیاسی، جهاد، تکفیر، شیعه و انقلاب، و سرانجام غرب و اسرائیل بررسی کرده است (۱۳۹۴: ۱۸-۱۹).

منابع

قرآن کریم.

الاسلام و الامة الاسلامية في القرن القادم؛ مجموعة مختارة من المقالات والمحاضرات للمؤتمر الدولي الثاني عشر للوحدة الاسلامية (۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش). اعداد: سيدجلال الدين ميرآقائي، تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

اطلس رهبران: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت (۱۳۹۴). گروه نویسندگان، قم: دفتر نشر معارف.

افروغ، عماد (۱۳۸۷). *گفت‌وگو؛ ابزار یا گفتمان*، تهران: سوره مهر.

الویری، محسن (ویژه‌نامه نوزدهم ۱۳۹۴). «گفت‌وگو و اصلاح‌گری؛ مروری بر بهره‌گیری امام موسی صدر از گفت‌وگو برای اصلاح اجتماعی»، گزارش ویژه اندیشه پویا، س ۳، ش ۲۴.

الویری، محسن و حسین مهربانی‌فر (پاییز ۱۳۹۳). «مطالعه چگونگی و کارکردهای گفت‌وگو در سیره نبوی با نگاهی به نظریه کنش ارتباطی»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، س ۲، ش ۲، شماره مسلسل ۶ (چاپ شده در زمستان ۱۳۹۴).

امانی، محمد (۱۳۹۳). *هنرگفت‌وگو و مذاکره فرهنگی*، تهران: الهدی.

بن‌نبی، مالک (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م). *دور المسلم و رسالته في الثلث الاخير من القرن العشرين*، الجزائر: دمشق: دار الفكر.

بن‌نبی، مالک (۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م). *مشكلات الحضارة؛ الفضايا الكبرى*، بيروت: دار الفكر المعاصر؛ دمشق: دار الفكر.

پیشوایان تقریب: آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگ‌داشت آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت؛ ۱۳۷۹) (۱۳۸۳). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

محمدحسین، محمد (۱۴۴۰ ق/ ۱۹۸۳ م). *حصوننا مهددة من داخلها*، بیروت: مؤسسه الرسالة. خزائلی، محمدعلی (۱۳۹۰). *جابل، استدلال و آداب مناظره در قرآن کریم*، قم: ابتکار دانش. خسروشاهی، سیدهادی (اعداد و تقدیم و ملاحق) (۱۳۸۶). *قصه التقرب؛ امه واحده، ثقافه واحده، محطات من افکار و آراء المصلح الكبير الشيخ محمدتقی القمی*، تهران: مجمع جهانی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه. خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۷). *گفت‌وگویی با علمای الازهر درباره تقریب بین مذاهب اسلامی*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*، التحقيق: محمد سید کیلانی، تهران: المكتبة المرتضوية.

رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷). *آداب گفت‌وگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات*، قم: دلیل ما. ریتزر، جورج (۱۳۸۸). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، تهران: علمی.

السقار، منقذ بن محمود. *الحوار مع اتباع الاديان؛ مشروعیه و آدابه، رابطه العالم الاسلامی*. شاورانی، ماموستا محمد (پاییز ۱۳۹۱). «هم‌زیستی، مدارا و گفت‌وگو در قرآن»، *حبل المتین*، دوره اول، پیش شماره ۳.

شرابی، هشام (۱۳۷۲). «روشن فکران عرب و مقوله غرب در پایان قرن بیستم»، ترجمه ماشاءالله شمس الواعظین، کیان، ش ۱۵.

عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ ق). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، القاهرة: مطبعة دار الکتب المصریه. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (تدوین گر) (۱۳۹۵). *مجموعه مقالات اصول و الگوهای گفت‌مانی و مناظره در سیره رضوی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۹۹۶). *الحوار فی القرآن؛ قواعد، اسالیبه، معطياته*، بیروت: دار الملائک. کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۷۸). *طبايع الاستبداد و مصارع الاستبعاد، یا سرشت‌های خودکامگی*، ترجمه عبدالحسین میرزا قاجار، نقد و تصحیح: محمدجواد صاحبی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

میرقعی، جعفر (۱۳۸۶). *مهارت‌های گفت‌وگو در تاریخ اسلام*، مشهد: همیاران جوان. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). *مناظره و گفت‌وگو در اسلام*، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: قم: صدرا. منصوریان، یزدان (۳۰ تیر ۱۳۹۳). «بازتاب «تجربه‌های زیسته» در پژوهش»، *سخن هفته لیزنا*، ش ۱۹۲.

مهدوی، محمدصادق و محمد مبارکی (۱۳۸۵). «تحلیل نظریه‌کنش ارتباطی هابرماس»، *فصل‌نامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی*، س ۲، ش ۸.

موسویان، سیدابوالفضل (زمستان ۱۳۷۷). «اسلام و گفت‌وگوی ادیان»، *نامه مفید*، ش ۱۶. میرموسوی، سیدعلی (دی ۱۳۸۹). «مسحوران غرب؛ چرا روشن فکران ایرانی و عرب از هم دور هستند؟»، پرونده ویژه روشن‌فکری عرب، *مهرنامه*، ش ۸.

نوعی، غلامرضا (دی ۱۳۸۰). «قرآن، مکتب گفت‌وگو»، گلستان قرآن، ش ۱۰۱. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی*، ج ۲، ترجمه کمال پولادی، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ ق). *هم‌پستگی امت اسلامی* (مجموعه سخنرانی‌های کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)، گردآوری: سیدجلال میرآقایی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. هیتی، عبدالستار (۱۳۸۳ ق / ۲۰۰۴ م). *الحوار؛ الذات و الآخر*، قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.

Ellis, Carolyn and Michael G. Flaherty (eds.) (1992). *Investigating Subjectivity: Research on Lived Experience*, London: Sage Publication.

Goodwin, Charles and John Heritage (1990). "Conversation Analysis", *Annual Review of Anthropolgy*, Jstore, V. 19.

Littlejohn, Stephen W. and Karen A. Foss (2009). *Encyclopedia of communication theory*, London: Sage Publication.

Magonet, Jonathan (2003). *Talking to the Other: Jewish Interfaith Dialogue with Christians and Muslims*, London; New York: I. B. Tauris & Co Ltd.

Rich, S. et al. (2013). "Navigating the Terrain of Lived Experience: The Value of Lifeworld Existentials for Reflective Analysis", *International Journal of Qualitative Methods*, Vol. 12, Available at: <http://ejournals.library.ualberta.ca/index.php/IJQM/index>.

Shafiq, Muhammad and Mohammad Abu-Nimer (2007). *Interfaith Dialogue; A Guide for Muslims*, Washington: The International Institute of Islamic Thought.

Van Manen, M. (1997). *Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*, London, ON: The Althouse Press.